

•
احمد زید آبادی



الزامات سیاست در عصر ملت-دولت



سرشناسه: زیدآبادی، احمد، ۱۳۴۴ - ● عنوان و نام پدیدآور: الزامات سیاست در عصر ملت-دولت / احمد زیدآبادی؛ ویرایش فرشاد مزدرانی. ● مشخصات نشر: تهران، نشر نی، ۱۳۹۷ ● نوبت چاپ: چاپ اول، ۱۳۹۷ ● وضعیت فهرست نویسی: فیبا ● مشخصات ظاهری: ۱۱۶ ص. ● شابک: 4-580-185-964-978 ● موضوع: دولت ملی (People)؛ Nation-state؛ دولت - ایران - تاریخ - History - The - Iran - State؛ مردم (حقوق اساسی) (People) Constitutional law ● رده بندی کنگره: ۱۳۹۷ ۷ الف ز / JZ۱۳۱۶ ● رده بندی دیویی: ۳۵۲/۷۴۸ ● شماره کتابشناسی ملی: ۵۲۷۲۹۵۲

قیمت: ۱۴۰۰۰ تومان



نشرنی

الزامات سیاست در عصر ملت-دولت

احمد زیدآبادی

ویرایش: فرشاد مزدرانی

صفحه آرایی: سهیلا یوسفی

طرح جلد: پرویز بیانی

لیتوگرافی: باختر ● چاپ: غزال ● صحافی: خلیج فارس

چاپ دوم: تهران، ۱۳۹۷، ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۱۸۵-۵۸۰-۴

نشانی: تهران، خیابان دکتر فاطمی، خیابان رهی معیری، تقاطع خیابان فکوری، شماره ۲۰

کد پستی: ۱۴۱۳۷۱۷۳۷۱، تلفن دفتر نشر: ۸۸۰۲۱۲۱۴، تلفن واحد فروش: ۸۸۰۰۴۶۵۸-۹، نمابر: ۸۹۷۸۲۴۶۴

www.nashreny.com ● email: info@nashreny.com ● nashreny

© تمامی حقوق این اثر برای نشرنی محفوظ است. هرگونه استفاده تجاری از این اثر یا تکثیر آن کلاً و جزئاً، به هر صورت (چاپ، فتوکپی، صوت، تصویر و انتشار الکترونیکی) بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع است.

فهرست مطالب

۹	 مقدمه
۱۳	 ظهور و تطور ملت - دولت در اروپا
۱۶	 نقش پروتستانتيسم
۱۹	 پيمان وستفالي
۲۲	 حق شهروندی و دولت عرفی
۲۶	 منافع ملی، مبنای سياست خارجی
۳۱	 ايران و روند ملت - دولت
۳۲	 صفويان و مشکلاتشان
۳۶	 افشاريه و زنديه
۳۷	 قاجاريه و رويارویی با پديده‌های تازه
۴۱	 انقلاب مشروطيت و نیاز به دولت ملی
۴۹	 رضاشاه و رویه مادی ملت - دولت
۵۵	 ملی و فراملی
۶۱	 احیای اندیشه امت‌گرایی
۶۸	 انقلاب اسلامی در جهت عکس انقلاب مشروطيت
۷۲	 پاسخ‌های ناتمام

- ملت - دولت: پدیده‌ای انکارناپذیر ۸۰
- بستری برای بلوغ ملی ۸۲
- خاورمیانه و نیاز به وستفالیای جدید ۸۷
- اسرائیل و معضل ملت - دولت ۹۳
- سیاست و اخلاق در نظام ملت - دولت ۱۰۵
- دفع ملی و اخلاق ۱۱۱

متن پیش رو، حکم‌های و محتوای کاری به‌نسبت گسترده است که به یاری خداوند در آینده منتظر خواهد شد. از آن‌جا که اصل کار هنوز آماده نیست، انتشار خلاصه‌ای از محتوای آن بدون ارجاع به منابع مورد نظر طبعاً اقدامی عجولانه به نظر می‌رسد. قاعدتاً همین‌طور است! نگارنده بر انتشار این چکیده در زمان حاضر اصرار دارد زیرا تصور می‌کند فضای کشور و منطقه ما طرح این بحث را هم‌اکنون ملل می‌کند.

بحث مطرح‌شده در این متن، قاعدتاً منتقدان بسیاری دارد؛ و از قضا یکی از اهداف انتشار آن، جمع‌آوری دیدگاه‌های انتقادی و استفاده از آن‌ها در اثر اصلی است. امیدوارم که چنین هدفی، در ارتباطی که گویا کتاب کمتر خواننده می‌شود و بحث‌ها عموماً در فضای پرسرعت مجازی جریان دارد، بخشی از توهمات نگارنده نباشد!

حرف اصلی این متن این است که ما خواه‌ناخواه در عصر ملت-دولت و یا واحدهای ملی زندگی می‌کنیم و زندگی در واحدهای ملی نیز به‌ناگزیر الزامات خود را در دو عرصه سیاست داخلی و خارجی

دارد. شناخت این الزامات از یک سو می‌تواند معیار و مقیاسی برای داوری درباره رفتارهای داخلی و خارجی دولت‌ها به دست دهد و از دیگر سو، مردم یک کشور را به حقوق و مسئولیت‌ها و محدودیت‌های خود در عرصه داخلی و بین‌المللی آگاه کند.

در عصر کنونی، بخش اعظم حق و حقوق هر یک از ما انسان‌ها ناشی از سرزمینی است که در آن زاده شده‌ایم. به عبارت دیگر، تابعیت ملی هر یک از ما منشاء اساسی‌ترین حقوق ماست. این سخن شاید برای آن دسته از انسان‌ها که در آرزوی «جهان‌وطنی» به سر می‌برند سنگین و ناپسند باشد اما برای اثبات آن راه ساده‌ای وجود دارد.

در این روزگار فرد بدون داشتن پاسپورتی که مشخصات فردی و تابعیت ملی او را مشخص می‌کند در آن سوی مرزهای کشورش چه جایگاهی دارد و از چه حق و حقوق برخوردار است؟ آیا جز آواره بی‌هویتی که باید در اردوگاه‌های پناهندگان محصور و، در بهترین حالت، به او ترحم شود از حق دیگری برخوردار است؟

هنگامی که اکثر حقوق و امکانات زیست فرد ناشی از سرزمین مادری اوست، پس تعهد و مسئولیت نسبت به آن سرزمین هم بخشی از وظایف او به شمار می‌رود. این حق و مسئولیت، لازم و ملزوم یکدیگرند و بدون هر یک از آن دو، شرایط منصفانه‌ای شکل نمی‌گیرد.

در وضعیت امروز جهان، بسیاری از دولت‌ها حقوق برابر اقل خود را که همان حق شهروندی است رعایت نمی‌کنند یا حتی به رسمیت نمی‌شناسند و، در عین حال، خواهان وفاداری آن‌ها به کشورشان هستند. طبعاً این وضعیت تناقض‌آمیز و ناعادلانه است. در عین حال، برخی از افراد در برخی کشورها از همه حقوق و مزایای شهروندی کشور خود برخوردارند، یا می‌خواهند برخوردار باشند، اما وظیفه‌ای ملی برای خود

در جهت منافع و بقای آن کشور قائل نیستند. این وضعیت هم سبب تناقض و بی‌عدالتی می‌شود.

در حقیقت، وضعیت عادلانه و بدون تناقض، رعایت حق شهروندی هر یک از اتباع از سوی حکومت‌ها در کنار پذیرش مسئولیت ملی از سوی همهٔ اتباع است. طبعاً چنین وضعیتی بدون آگاهی از ماهیت ملت-دولت و هشیاری نسبت به سوءاستفاده‌هایی که از این پدیده صورت می‌گیرد و سوءتفاهمات گسترده‌ای که به بار می‌آورد چندان امکان‌پذیر نیست.

از این رو، در این متن کوشش شده است تا صورت معقول و عادلانهٔ نظام ملت-دولت و حقوق ناشی از آن روشن، و تمایزش با گونه‌های نژادگرایانه و ویرانگر آن در کنار نقد ایدئولوژی‌های مروج اتوپیک جهان‌وطنی که به گذشته‌های دور و آینده‌ای به‌کلی خارج از دسترس بشر امروز چشم دارند، بررسی شود.

به نظرم شناخت دقیق این موارد و عمل در جهت آن، نیاز امروز جامعهٔ ایرانی و دیگر ملت‌های خاورمیانه برای استحکام هویت ملی، دستیابی به ثبات پایدار، همزیستی مسالمت‌آمیز، و تعادل و متوازن بر مبنای همکاری‌های منطقه‌ای است. در غیر این صورت نباید برای سال‌های سال چرخهٔ بی‌ثباتی و خشونت در منطقه ما همچنان بچرخد و با هدر رفتن اندک سرمایه‌های انسانی و مادی باقی‌مانده، نمایانگر از فرهنگ و حیات و تمدن‌مان بر جا نماند؛ چنین مباد!

تهران

پنجم مهرماه ۹۶